**مسافری از اسرائیل**

یکی از نویسندگان و دوستان مجله اخیرا سفری کوتاه به کشور اسراییل‏ کرده است،درخواست شد که مشاهدات خود را مرقوم دارند و ممنونیم‏ که پذیرفتند.چون اطمینان داریم که این مطالب با کمال بی‏غرضی و بی‏شائبه هیچ حب و بغض نوشته شده امیدواریم مورد توجه خوانندگان‏ واقع شود.(مجله یغما)

به درخواست مدیر محترم مجله یغما من بنده مشاهدات خود را در مسافرتی که بکشور اسرائیل اتفاق افتاد به ایجاز و اختصار می‏نویسم.تحقیق درباره اماکن تاریخی این سرزمین و تطبیق آنها با متون عهد عتیق و عهد جدید و دیگر کتب تاریخی و جغرافیائی؛و همچنین تفحص‏ و تجسس دقیق در امور اجتماعی،و دریافت سرکامیابی مردم که از کشورهای مختلف با زبان و آداب و تربیت گوناگون درین نقطه گرد آمده‏اند،و همآهنگ همه نیروی خود را در آبادانی‏ و احیای آن بکارمیبرند نکاتی است که نباید بآسانی از آن گذشت،اما این کار بعهده نویسندگان‏ تاریخ است که مجال و فرصت کافی برای مطالعه،و علاقه تمام بدین‏گونه تحقیقات دارند.آنچه‏ بدرخواست مدیر مجله در اینجا یادداشت می‏شود،مشاهدات و مطالعاتی شخصی و سطحی است، که از اینجا و از آنجا و در هر موضوع،درهم و برهم،بی‏نظم و بی‏ترتیب فراهم آمده،باین‏ امید که شاید در خلال آن نکاتی باشد که موجب فسحت خاطر و عبرت و تنبیه گردد.

کشور اسرائیل-اسرائیل کشور کوچکی است در ساحل شرقی مدیترانه بمساحت‏ تقریبی بیست و یک هزار کیلومتر،و با جمعیت تقریبی دو میلیون و چهار صد هزار نفر از یهودیان و عرب‏ مسلمان و مسیحی.این کشور در سال 1370 هجری ایجاد شده،یعنی بقول مورخین عرب‏ سرزمینی است که یهودیان از مسلمانان غصب کرده‏اند،و بگفته یهودیها سرزمین اجدادی آنهاست‏ که پس از تقریبا دو هزار و پانصد سال کانون مستقل یهودیان جهان شناخته شده است.

ساکنین امروزی این منطقه غیر از عرب‏ها و یهودیانی که از قرنها پیش در آنجا بوده‏اند مرکب از یهودیان مهاجر ممالک جهان است که غالبا از علما و از دانشمندان و از مشمولین‏اند، اما مهاجرین یهودی ایرانی فقیرانی‏اند که غالبا به کشاورزی اشتغال دارند،و ظاهرا تعداد این‏ مهاجرین ایرانی تاکنون به هشتاد هزار تن رسیده است.

تل اویو-بزرگترین و معمورترین و پرجمعیت‏ترین شهرهای اسرائیل تل اویو است.باید گفت‏ که اسرائیل از سه طرف شمال مشرق و جنوب در محاصره ممالک اسلامی است که هیچ‏گونه رابطه‏ آمد و رفت نیست،تنها راه آمد و شد از طرف مغرب است یعنی از دریای مدیترانه بوسیله کشتی‏ یا هواپیما.فرودگاه هواپیما در چند فرسنگی جنوبی تل اویوست،و چون فرودگاهی معتبر جز آن‏ نیست می‏توان گفت تل اویو تنها دروازه کشور اسرائیل است که روزی صدها نفر مسافر وارد و خارج می‏شوند.

این شهرکه قریب چهارصد هزار نفر جمعیت دارد دارای مهمانخانه‏های عالی و مؤسسات‏ مهم فرهنگی و اداری،و بیمارستان‏های مجهز و عمارات چند طبقه یکنواخت،و خیابان‏های‏ وسیع پرجمعیت،و مغازه‏های مملو از صنایع داخلی است.

شهر قدیمی یافا در جنوب تل اویو واقع است،اما اکنون بسبب گسترش شهر،نه تنها یافا بل که دیگر شهرها و قصباتی که در اطراف تل اویو ایجاد شده همه به یکدیگر متصل است.

دانشکده فنی-از مهم‏ترین مؤسسات فنی فرهنگی تل اویو دانشکده فنی ORT است.ازین‏ نوع دانشکده در دنیا ششصد نمونه هست که چهل و یک دانشکده در اسرائیل است.فضای دانشکده‏ بسیار وسیع و زیبا،و از درختها و گلهای گوناگون که بنده نظیر آنها را ندیده بودم،زینت یافته است. آقای دکتر گولدهر از یهودیان انگلیس که اکنون مقیم اسرائیل است این مؤسسه عظیم را سر پرستی می‏کند.

چنانکه تحقیق کردم،این دانشکده بیش از یکهزار و یکصد نفر محصل دارد که ده یک‏ آن افریقائی هستند که شبانروزی؛مهندسین و معلمین که در چهل و هفت کلاس دانشکده تدریس‏ می‏کنند بالغ بر یکصد و بیست و دو تن‏اند.فنونی که درین دانشکده توأم با عمل تدریس می‏شود؛ نجاری،آهنگری،مکانیکی،برق،هتل‏داری است.همه لوازم دانشکده از قبیل میز و صندلی و لوازم روشنائی و غیره را خود شاگردان ساخته‏اند.وقتی بنده بدانجا رفتم،گذشته ازین که محصلین در کارگاههای نجاری و آهنگری و جز اینها مشغول کار بودند،در کارگاهی دیگر اتومبیلهای فرسوده‏ را تعمیر می‏کردند.دوره ابتدائی در اسرائیل هشت سال است،و این دانشکده فارغ التحصیل‏های‏ ابتدائی را می‏پذیرد،دوره دانشکده هم چهار سال است و درین مدت محصلین فنون و علوم را توأم‏ با عمل می‏آموزند و چون از دانشکده بیرون شدند هریک در فن و خود استادی کامل و ماهرند و در جامعه مفید و محترم،یعنی پس از دوازده سال تحصیل،در هجده نوزده سالگی.

بیمارستان-از تل اویو تا بیمارستانی که بدان راهنمائی شدیم در حدود هجده کیلومتر فاصله است.باغ بیمارستان فضائی وسیع و پر درخت و پر گل است و اگر شخص بیمار نباشد از مشاهده آن و گردش در آن لذت می‏برد.طبیبانی که در بیمارستان کار می‏کنند از دکترهای معروف‏ یهودی‏نژاد اروپا هستند.چنانکه دریافتم در مطالعه احوال بیمار،و تجزیه‏هائی که می‏باید دقت‏ تمام کنند.و تا بیمارستان را تشخیص ندهند،هیچگونه دارو تجویز نه می‏فرمایند.مراجعین‏ این بیمارستان بسیارند،و باید پیش از یکماه درخواست وقت شود.رئیس بیمارستان که شخصیت‏ جهانی دارد آقای دکتر شیباست.[بطور معترضه عرض کنم که چون بنده ایرانی و غریب بودم و برای معالجه رفته بودم همه‏گونه رعایت کردند،اما توفیق نیافتم که مدتی بمانم و در بیمارستان‏ آنجا بستری شوم و همچنان بیمار بازگشتم.]

اورشلیم gerusalem -که در کتب مذهبی«بیت المقدس»نامیده شده اکنون به دو قسمت است. قسمت بیشتر آن در تصرف اردن هاشمی است،و قسمتی دیگر در تصرف اسرائیل.

از تل اویو تا اورشلیم یک ساعت و نیم راه است.در طول راه از هر سوی که نظر افکنی اراضی‏ سبز و خرم و کشت‏زار یا آماده کشت است.در چند فرسخی اورشلیم از دامنه‏ای باید گذشت که‏ فراز و نشیب دارد،در اینجا در کنار جاده؛اسکلت اتومبیل‏هائی که در هنگام جنگ سوخته شده‏ مخصوصا برپای داشته‏اند که یادگاری باشد.

این شهر مقدس به نظر زیبا و باصفا جلوه می‏کند،خیابانها فراز و نشیب‏هائی ملایم دارد،در همه مغازه‏های شهر چون دیگر شهرها مصنوعات اسرائیل عرضه می‏شود.

رمله-شهر قدیمی رمله در راه تل اویو به اورشلیم واقع شده.درین شهر کلیسیای بزرگی است‏ که گذرندگان می‏توانند دید.

خانه‏ای که سر حد دو کشور است-در نزدیکی اورشلیم راه بمنزله دالانی است که‏ مملکت اردن در طرف چپ واقع می‏شود(در هنگام ورود بشهر)و دهکده‏های اردن نمودارست. خط سر حدی دو کشور اردن و اسرائیل در وسط شهر تعیین شده مثلا یک طرف خیابانی از اردن‏ هاشمی است و طرف دیگر اسرائیل.خانه‏هائی هست که سر حد شناخته شده یعنی در یک‏ قسمت خانه اسرائیلی‏ها ساکنند و در قسمت دیگر عرب‏ها.اما این همسایه‏های دیوار بدیوار که‏ همه روز یک‏دیگر را می‏بینند مطلقا هم‏سخن نمی‏شوند.

آنجا که گذرگاه دو کشورست کوچه‏ای هست بطول تقریبا پنجاه متر،یک دهنه کوچه که‏ دروازه مانندست سربازان اردن هاشمی پاس می‏دهند و در دهنه دیگر سربازان اسرائیل،عبور همگان جز سربازان سازمان ملل ممنوع است.آرزوها داشتم برای زیارت مشاهد مقدسه ازین‏ سوی بدان سوی شوم و غیرممکن بود.

اری ماء و بی‏عطش شدید و لکن لا سبیل الی الورود

کنیسه یهودیان-در اوایل شب با دو سه تن از یاران به معبد یهودیان رفتم.در کنیسه یهودیان و اماکن مقدسه یهود،با سر برهنه نباید رفتن که برخلاف آداب مذهبی است. یهودیان به پرستش عبادت و خواندن توریت مشغول بودند.یک نفر با جامه مذهبی بر سطحی‏ بلندتر در هنگام دعا و نماز حرکاتی داشت که دیگران ازو پیروی می‏کردند.با این‏که نهایت ادب را رعایت کردیم ما را در صف خویش جای ندادند.برکناری ایستادیم تا نمازشان تمام شد.بعد از نماز هم دعائی خواندند که می‏گفتند برای شادی روح کسانی است که درین سال از جهان رفته‏اند.

موزه اورشلیم-با وصفی که از موزه تل اویو می‏کردند توفیق مشاهده آن را نیافتم، اما یکی دو ساعت در موزه اورشلیم گذراندم.ظروف سفالین،مهره‏های زیوری،انواع اسلحه‏ فلزی،الواح مکتوب،تابوت‏های گلی با استخوانهای پوسیده،مجمسه‏های گلی و فلزی؛و امثال‏ این چیزها از ذخایر موزه بود.این یادگارهای بشری پنج شش هزار سال قبل را به ترتیب در حجرات خاص چیده بودند،و دکتری دانشمند که رئیس موزه بود توضیحات کافی درباره هر عصر می‏فرمود.عمارت موزه خود از نظر قدمت برای موزه مناسبت داشت،اما ساختمانی را برای موزه در جنب دانشگاه آغاز نهاده‏اند که بسیار معظم و مجلل است.

دانشگاه اورشلیم-ساختمان‏های دانشگاه در محوطه‏ای وسیع پراکنده است که‏ می‏توان آن محوطه را محله‏ای خواند.دانشگاه در و دیوار ندارد،و یک خیابان عمومی از میان آن می‏گذرد،چون عماراتش دو سه طبقه بیش نیست و جدا از یک دیگرست و از هر سوی‏ روشنی می‏گیرد،با صفا و نورانی است.

غیر از کتابخانه عمومی دانشگاه که مؤسسه‏ای وسیع و منظم است و غیر از کتابخانه‏های‏ خصوصی هر دانشکده یک کتابفروشی بزرگ عمومی در مدخل دانشگاه است که محل مراجعه و مورد استفاده همگان است،اعم از محصل و غیر محصل.